أعوذ بِاللَهِ من الشَّيطان الرّجيم

بسم اللَه الرّحمن الرّحيم

الحمدُ لِلَّه ربِّ العالمين

و صلّى اللَه علىٰ سيّدنا محمّد و آله الطّاهرين

روایتی از امیرالمؤمنین علیه السّلام نقل شده است که فرمودند:

لَيسَ العِلمُ فى السَّماءِ فَيَنزِلَ إلَيكُم، و لا فى تُخومِ الأرضِ فَيَخرُجَ لَكُم؛ و لَكِنَّ العِلمَ مَجبولٌ فى قُلوبِكُم. تَخَلَّقوا بِأخلاقِ الرُّوحانيّينَ حتّىٰ يَظهَرَ لَكُم.[1]

«علم در آسمان‌ها نیست تا اینکه به آن صعود کنید، و در زمین نیز نیست تا اینکه آن را در اعماق زمین بیابید؛ بلکه علم در خود شما است و در نفوس شماست. به اخلاق روحانیّین متخلّق شوید تا اینکه از زمرهٔ آنها گردید.»

مسئلهٔ اخلاق از مسائل بسیار مهم است، بلکه مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز محطّ نظر بزرگان و علما و متخلّقین به اخلاق حسنه بوده است. بدین لحاظ، بزرگان برای مسئلهٔ اخلاق، کتاب‌های مختلف و تألیفات بسیاری به انجام رسانیده‌اند؛ مانند کتاب *محجّة البیضاء* و هم‌چنین سایر کتبی که از بزرگان در این زمینه آمده

[1] *کلمات مکنونه*، ص ۲۴۸، با قدری اختلاف.

است و همه تأکید دارند بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق و عدم کفایت فراگیری و به دنبال علوم و فنون مختلفه رفتن و صرفاً دریچهٔ ذهن و نفس را انباشته از علوم و فنون مختلف نمودن.

لهذا ما می‌بینیم که اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، برای تبدّل اخلاق سیّئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند؛ و این بعثت به معنای حرکت از عالم حیوانیّت و عالم بهیمیّت و عالم شهوات و عوالم نفس و دنیای مادون، و صعود به عوالم ربوبی و صفاتی است که خدای متعال، خود متخلّق به این صفات است. و لهذا کسی که دارای اخلاق حسنه می‌شود، این بدین معنا است که به صفات باری تعالیٰ متّصف می‌شود، که بازگشت آن به مسئلهٔ توحید و اصل توحید است؛ و این نهایت حرکت انسان و سیر انسان خواهد بود.

مرحوم والد ـ رضوان الله علیه ـ از زمان رجوع از نجف به ایران، هم‌چنان‌که خود در سیر و سلوک إلی الله دارای اساتید و برنامه و سیرهٔ خاصی بودند و آن را دنبال می‌کردند، هم‌چنین دائماً نسبت به تشکیل مجالس اخلاقی و سوق دادن افراد به وادی توحید و آموختن و تعلیم راه و مرام اولیای دین و ائمّهٔ اطهار سلام الله علیهم أجمعین اهتمام کامل داشتند، و در این زمینه به برگزاری و إحیاء مجالس وعظ و سخنرانی به مناسبت‌های مختلف، در مسجد قائم و هم‌چنین در منازل اقدام می‌کردند و شاگردانی در این زمینه تربیت نمودند و بحمد الله و المنّة در این زمینه سعی کافی و بلیغی در رساندن مبانی اخلاقی به افراد ایفاء نمودند. و این مهم با تفسیر آیات قرآن کریم در مسجد قائم و هم‌چنین تفسیر *نهج البلاغه* و مسائل مختلفهٔ دیگر، از جمله مسائل کلامی، در مسجد قائم و در منازل دوستان، رائج و دارج بوده است. کتاب پیش‌رو نمونه‌ای از طرح مبانی اخلاقی از مرحوم والد است که در زمینهٔ تفسیر آیات قرآن و هم‌چنین سایر متون دینی و مناسبت‌های مختلف ایراد شده است.

امیدواریم که همه بتوانند از تراوشات فکری و نفس ملکوتی آن بزرگ، که

این مطالب با حس و لمس و درک واقع، از دریچهٔ نفس آن شخصیّت بزرگ تراوش پیدا کرده است، بهره‌مند گردند.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اوّل رجب المرجّب ۱٤٤۰ هجری قمری

مشهد مقدّس رضوی، علیٰ ثاویها آلاف التحیّة و الثناء

سیّد محمّدمحسن حسینی طهرانی[1]

---

[1] این مقدمه گرانسنگ، آخرین بیانات گهربار عارف بالله و بأمر الله حضرت آیة الله حاج سیّد محمدمحسن حسینی طهرانی ـ رضوان الله علیه ـ می‌باشد که جهت کتاب حاضر بیان نموده و توسط مجمع تحقیق مکتب وحی تدوین گردیده است.

در اینجا خامهٔ عنبرآمیز او از فیضان مشک و عبیر باز ایستاد، و بنان جواهر اثرش از نشر لآلی و درر تابناک معارف حقّهٔ الهیّه فروماند. قلبی که یک عمر برای اعتلای کلمهٔ توحید و تبیین مقام ولایت کلّیهٔ الهیّه و دفاع از حریم تشیّع و مبانی اصیل فرهنگ اسلامی می‌طپید، مقارن اذان ظهر روز پنجشنبه بیست و ششم شعبان المعظم سنهٔ یک‌هزار و چهارصد و چهل هجریّه قمریّه در عتبهٔ مقدّسه حضرت ثامن‌الائمّه علیّ بن موسی الرّضا علیه آلافُ التّحیّة و الثّناء از حرکت باز ایستاد.

نفس قدسی‌اش به ندای ﴿ٱرۡجِعِیٓ﴾ لبّیک گفته، سرمست از بادهٔ ﴿وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا طَهُورًا﴾ شاهد وصل را در آغوش کشید و به ریاض قدس ﴿فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرُۢ﴾ پرواز نمود؛ رَحمةُ اللهِ علَیهِ رَحمةً واسعةً.